

مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

پیام برای رفیق مازیار و دوستانش

دوستان گرامی! تصادفی بما امکان داد که گفتگویی را برادرانه و جدی با شما و دوستانتان آغاز کنیم. روی سخن ما در عین حال با همه گروههایی نظیر شماست که

در عین اینکه با برخی شیوه‌هایی که شما برای رسیدن به این هدف انتخاب کرده اید موافق نیستیم و بعضی از ارزیابی‌هایی را که شما در باره نیروهای داخلی طرفدار آزادی و استقلال و پیشرفت داشته و شاید هنوز دارید درست نمیدانیم و بر آنیم که شناخت شما در باره دوستان و هواداران واقعی جنبش نجاتبخش ملی ایران در صحنه سیاست بین‌المللی طی یک دوران دنباله در صفحه ۲

ایمان راسخ دارم که از این دلان تاریک راه به بیرون خواهیم برد (اظهارات دبیر کل حزب کمونیست شیلی در زندان «دائوسن»)

د اید ثلویزی کمونیستی را نمیتوان نابود ساخت. هر بار که دشمنان زحمتکششان و خائنان بیخلق این امر را مورد آزمایش قرار داده اند، ثابت شد که از عهده شان بر نمی‌آید. من از بابت جان خود بی‌معمی به خاطر امانمیدهم. البته زندگی را دوست میدارم، ولی از مرگ نمی‌ترسم و هرگاه که ضرور باشد آماده‌ام که در راه امر مشترک بمیرم. من اکنون اطلاع ندارم با احزاب و سازمانهای سیاسی چه کرده‌اند زیرا از جهان خارج تماماً رابطه ام قطع است. این آقایان بملط تصور می‌کنند که میتوانند مارکسیسم را با این شیوه‌ها نابود کنند. وضع کنونی در شیلی بعقیده من خصلت موقت دارد آنهایی که تصور میکنند این وضع میتواند تا ابد دوام آورد در جاده باطلند. من ایمان راسخ دارم که ما از این دلان تاریک راه به بیرون خواهیم برد و آرمان آزادی بار دیگر پیروز خواهد شد



و زحمتکشان مقامی را که در خورد آنهاست در تاریخ احراز خواهند کرد. البته نادرست است که از هم اکنون پیشگویی کنیم ولی غاصبان قدرت در هر کشوری که باشند بدانند که زندگی طرق مختلفی را برای تکامل عرضه میکنند.

(از اظهارات لوتیس کوروالان، دبیر کل حزب کمونیست شیلی به خبرنگار مجله برزیلی «ویزائو» که با وی در اردوگاه زندانبان واقع در جزیره «دائوسن» در جنوب شیلی در فوریه ۱۹۷۴ ملاقات کرد.)

واختران پاک بر شیلی خواهند تافت

(شعر از شاعر بلغار: ونکو مارکوسکی)

جهان وحشت زده است، خاموش است و محزون و طاعون دیوانه ای سرگرم رقص خون شعله دوزخی میسوزد در آسمان شیلی در پیچ و تاب است پرچم سیاه عزای همگانی غروب، درفش خویش فرود آورده پیش از موقع در سوزش است و زمین بی خواب فرسوده است از اشکباری بسیار ددی از کنام بیرون می خزد در خاکها چنگ زنان در راه زخوف، در راه ستم و تنگ پیش تازان، دشمنانی بی اعتنا بقانون، بوجدان، بدادرسی پوست زنده کشور را از هم میدرنند کین و پایدی آنها خواستار است که کوروالان، را نابود ولی حافظه. ولی حافظه که مانند ناله ای تلخ است خشم آیت بیرق های رام نشده طغیان آن طوفان فرا رسنده را در خاطر دارد. این زبانهای خون آلود زمین را شعله‌ور ساخته و مردم در رنجی فرساینده بسر میبرند.

با سیاست اختناق آور رژیم مبارزه کنیم!

میخواهد اراده شوم خود را تحمیل کند. دهها سال است که رژیم خفقان و اختناق در کشور ما برقرار است و هزارها تن مبارزان آزادی پرست ایرانی را در گور خونین خوابانده است. اگر قشرهای وسیع مردم شهر و ده وارد پیکار جمعی و پیگیرانه شوند میتوانند بساط ددمنشی و خود سری این رژیم را برچینند. در عصر ما دیگر دوران آنکه بیداد گریم و غارتگریها بی کفایت ماند گذشته است. در سراسر جهان مردم بجوش و خروش آمده‌اند. تخته‌های ستم لرزان است و دژهای غارتگران فرو میریزد. امپریالیسم بسرعت رو به ضعف می‌رود و گردانهای انقلابی در کشورهای صنعتی و در «جهان سوم» با فعالیت بیش از پیش وارد میدان میشوند. مردم ایران که طی صد سال اخیر همیشه از پویا ترین و پیکار جویترین خلقهای «جهان سوم» بوده‌اند، در این موقع میتوانند بار دیگر چهره درخشان انقلابی خود را نشان دهند و دست جلادان و غارتگران و چاکران امپریالیسم را کوتاه کنند.

مبارزه جمعی و توده‌ای تحت شعارهای صحیح برای طرد سیاست نظامیگری و تجاوز و مسابته تسلیحاتی برای تأمین آزادیهای دموکراتیک و استقلال کشور، برای تأمین رفاه مردم، برای اجرای یک سیاست واقعا ملی در زمینه نفت و استفاده از عواید سرشار آن در راه ترقی کشور ما، میتواند ثمر بخش شود و بازیهای خائنه و روشهای خیانت بار را عقیم کند و راه سعادت مردم ایران را بگشاید. حزب توده ایران با بانگ رسا و باخشم و پرغاش به دادرسی ننگین جمعی جوانان روشنفکر و محکومیت غیر قانونی آنها و به اعدام خسرو کاسرخ و کرامت دانشیان و سایر مبارزان انقلابی اعتراض میکند و از همه مردم ایران دعوت میکند که به اعتراض برخیزند. حزب توده ایران نسبت بهمه آن مبارزان صدیق ایرانی که علیه رژیم استبدادی و حامیان امپریالیستی آن پیکار میکنند ابزاز همبستگی میکند. هیئت اجرایی کمیته مرکزی حزب توده ایران شنبه ۱۱ اسفند ۱۳۵۲

رژیم کنونی ایران که مدت‌هاست ترور و اختناق عمومی و سرکوب هرگونه نیروی مخالفی را به اسلوب اسامی کشور داری بدل کرده است، هر روز در این زمینه دست به تبه کاری تازه بتازه‌ای میزند. یکی از نمونه‌های اخیر این روش، باصطلاح دادرسی ننگین و سرا یا مسخره جمعی از جوانان روشنفکر است که باتمام توطئه علیه جانب شاه و ولیمهد محاکمه شده‌اند. شرح ناقص و سانسور شده این باصطلاح دادرسی در روزنامه‌ها درج شد و هر خواننده عاقلی میتواند قضاوت کند که این جریان جز یزورنده سازی فتنه انگیزی طرف مأموران ساواک برای برآه انداختن یک جدید خونریزی چیز دیگری نبوده است. احکام این دادرسی ساواک فرموده بهترین دلیل محکومیت آن است: بحکم این بیدادگاه‌های ننگین و فرمان شاه، جوانان دلآوری مانند خسرو - کاسرخ و کرامت دانشیان تیر باران شدند و فردای آن بحکم باصطلاح دادگاههایی که معلوم نبود کجا و کی تشکیل شده، شش تن دیگر در خاک و خون غاطبند. بسیار طبیعی است که پس از این پدیده تازه از بیدادگری رژیم و دادگاههای نظامی و سازمان دوزخی ساواک، بار دیگر کوره خشم عمومی شعله‌زند. حوادث اخیر در دانشگاه تهران مظنه دیگری است از این شعله مقدس. رژیم بجای آنکه در باره علل این واکنشهای بحق بیندیشد تنها فکرس دست زدن به خونیتهای تازه است تا قدرت مطلقه شاه و حکومت فرعی را بهر بهائی است محفوظ دارد. حکومت مطلقه نخستین شرط تأمین محیط امن برای غارتگران داخلی و خارجی است. نخستین شرط تأمین آن باصطلاح «ثباتی» است که معنای دیگری جز ثبات یک نظام سرا با ضد خلقی و ضد دموکراتیک ندارد. مردم ایران! با رژیم رو برو هستیم که با تکیه بوحشیانه ترن و «ول» با تکیه به مرتجعترین محافل امپریالیستی

دفاع از زندانیان سیاسی وظیفه هر میهن پرستی است!

نویسندگان و ناشران مترقی بازداشت و زندانی میشوند، به دانشگاهها یورش میبرند و کلاسها را تعطیل میکنند کارگران و دهقانان و دانشجویان و روشنفکران حق طلب بیش از پیش مورد فشار قرار گرفته و زندانها انباشته تر میشوند. همراه با بسط ترور و فشار در سراسر کشور، در داخل زندانها نیز بر درجه وحشیگری رژیم افزوده شده‌است. نه تنها زندانبانان سیاسی جدید مورد انواع شکنجه‌های بر بر منشانه‌هستند، بلکه از نو بسراغ زندانبانان سیاسی قدیمی رفته‌اند. کاستن ازجیره زندانبانان، جاوگیری از ملاقات با خانواده‌ها، توهین و تهدید و ضرب و شتم زندانبانان، امتناع از معالجه زندانبانان بیمار، انتقال زندانبانان مقاوم به زندانهای انفرادی، تبعید زندانبانان به مناطق بد آب و هوا و امتناع از آزادی زندانبانان حتی پس از گذراندن دوره زندان از اشکال ایراد فشار بر زندانبانان سیاسی است. کار ایراد فشار بر زندانبانان سیاسی بجائی رسیده که چندی پیش زندانبانان بند ۲ زندان قصر تهران و زندانبانان شیراز را مورد شدیدترین حملات قرار دادند، پولهای آنانرا بسرقت بردند، کتابهایشان را پاره کردند، رادیوشانرا شکستند و اموال شخصی آنانرا غارت نمودند. اعتصاب غذای دنباله در صفحه ۲

همراه با گسترش اقدامات ضد ملی رژیم، فشار بر مردم تشدید می‌یابد و فضای تنگ و نفسگیر میهن ما، باز هم تنگتر و نفسگیر تر میشود. شاه در مصاحبه اخیر خود با سانلی تا بهر صریحاً گفت: «ما اکنون سختگیر شده ایم». رژیم ایران که در جاده تا صواب اقدامات ضد ملی و ماجراجویانه خود چهاراسبه به پیش می‌تازد، تحمل کمترین انتقادی را ندارد و از گسترش مبارزات مردم شدیداً بیمناک است و بهمین جهت بر دامنه اقدامات تعسقی و تشدید ترور بیسی افزوده‌است. رژیم مستبد و قرون وسطایی برخی روشهای نادرست مبارزه را بهانه قرار داده و مبارزان ضد رژیم را گروه گروه تیر باران میکند تا از مردم زهر چشم بگیرد، علیه روشنفکران که در اکثریت خود حاضر نیستند قلم و استمداد خود را در خدمت رژیم قرار دهند توطئه می‌چیند، آنها را بگناه استوار ماندن در عقاید خود تیر باران میکند و یا به حبسهایی طولانی محکوم میسازد تا بفیال خود روشنفکران را مرعوب کند و به تسلیم وارد. هر چند گاه کتابروهشیا مورد حمله مأموران ساواک قرار میگيرند و کتابهای مترقی چه تألیف و چه ترجمه به یغما برده میشوند تا در دسترس مشتاقان قرار نگیرند.

مردم ایران معلطه: تاریخی رژیم را که روز انعقاد قرارداد نواستعماری جدید با کنسرسیوم را میخواهد جانشین روز ۹ اسفند (روز ملی شدن صنایع نفت) کند و هدف آن انکار مبارزه رهایی بخش مردم و فراموشی سپردن عمل تاریخی دولت د کثر مصدق است باخشم تمام محکوم میکنند و این روز را روز جشن خود میدانند و پیوسته آنرا با احترام تمام برگزار خواهند کرد.

دنباله از صفحه ۱

پیام برای رفیق هازیار و دوستانش

طولانی نادرست بوده و هنوز هم کاملا درست نیست. ولی ما عمیقاً به این اصل معتقد بوده و هستیم که اگر نیرو های اجتماعی گوناگون صادقانه - تکلیه میکنیم صادقانه - در جهت هدف مشترک قدم بردارند، در جریان مبارزات مشترک گاه زودتر و گاه دیر تر، گاه آسانتر و گاه دشوارتر، از شدت اختلاف نظرهای آنها در مورد انتخاب راه و ارزیابیهای مختلف دیگر کاسته خواهد شد، اختلافات اساسی بتدریج از بین خواهد رفت و سرانجام جای خود را به یگانگی در هدف و راه خواهد داد.

ما به این اصل هم معتقد بوده و هستیم که پیروزی جنبش نجاتبخش ملی میهن ما تنها در صورت گرد آمدن همه نیرو های خواستار استقلال و آزادی و پیشرفت در جنبه واحد ملی و پیروزی نهائی این جنبش در راه ریشه کن ساختن تسلط امپریالیسم، نفو کولو نیالیسم و حرکت به سوی سوسیالیسم تنها زیر رهبری طبقه کارگر - پیشگام تمام مبارزات مترقی خلق - امکان پذیر است.

این دو اعتقاد ما را بر این میدارد که همواره خواستار نزدیکی و همکاری و یگانگی شدن آن نیرو های ملی باشیم که خود را پیرو پیشگام راه طبقه کارگر میدانند. زیرا بدون این یگانگی در صفوف طرفداران واقعی راه طبقه کارگر وحدت طبقه کارگر و بدون وحدت و یکپارچگی طبقه کارگر وحدت در صفوف همه نیرو های ملی میسر نخواهد شد.

ما بحق بخود اجازه میدهم ادعا کنیم که همواره در این راه قدم برداشته و هرگز در راه بوی آن نیرو های انقلابی صادقی که بخواهند حتی از مواضعی بکلی متفاوت با مواضع ما با ما بحث کنند و راه و شیوه ما را مورد انتقاد قرار دهند نسته ایم. یک نکته دیگر را هم باید در آغاز این گفتگو روشن بیان کنیم. اگر ما راهوروش گروههای انقلابی دیگر را انتقاد کنیم، این دلیل بر آن نیست که گویا ما برای کار خود در گذشته تقصی و اشتباهی نمیدانیم. بر همه روشن است که حزب ما تنها سازمان سیاسی در ایران است که در موارد عدیده کار خود را مورد بررسی انتقادی قرار داده و اشتباهات خود را تصحیح کرده است. اکنون هم ما همواره و براساسی آماده هستیم که انتقاداتی را که دوستان بکار ما وارد میداند بپذیریم و روی آن ببنیدیم و در صورتیکه قانع شویم آنرا مورد توجه قرار دهیم. ما همین شیوه را از سایر پیروان راه لنین خواستاریم.

ریشههای عمده اختلاف نظرهای ما از کجاست؟ پیش از همه باید این واقعیت را در نظر داشت که تبلیغات زاهد آگین دشمن داخلی و خارجی تأثیر زیادی در ایجاد تقاف میان نیرو های ملی و ضد امپریالیستی داشته است. آنها با وسایل نیرومندی که در اختیار دارند بطور پیگیر برای ایجاد شکاف میان نیرو های مترقی و عمیق تر کردن آن، در جهت بد نام ساختن و جدا کردن پیگیری ترین سازمان سیاسی مخالف خود در داخل کشور یعنی حزب توده ایران و بزرگترین یار و پشتیبان جنبشهای نجاتبخش ملی در سراسر جهان یعنی اتحاد جماهیر شوروی عمل کرده و میکنند. در دوران اخیر هم آوازی مانوئیست ها به سرکردگی گروه مانو در حزب کمونیست چین باین آسیای سیطانی امپریالیستهای آبهای تازه ای سرازیر کرده و میکنند.

بموازات این عامل مهم دو ارزیابی گوناگون پایه اساسی جدائی بین راه ما و راه بسیاری از گروه های انقلابی در ایران بوده و هست: یکی ارزیابی در باره تأکیدی جنبش انقلابی سوسیالیستی در صحنه جهانی و در درجه اول در میدان نبرد عمومی پارتیزانی جهانی علیه امپریالیسم و دیگری ارزیابی در باره انتخاب تاکتیک جنبش انقلابی در کشور های استعمار زده یعنی کشور های نظیر ایران.

هنگامیکه در آغاز سال چهل این دو ارزیابی در مقابل هم قرار گرفتند، اختلاف دو طرف اقتدر زیاد بود که با وجود کوششهای پی در پی از سوی

ما، امکان یافت گفت و شنود باروری بوجود نیامد. تجربه های انقلابی پر ازوشی که در تاریخ مبارزات پارتیزانی و سایر جنبشهای مترقی در سراسر جهان و در خود میهن ما وجود داشت اکثراً اقتدر از دسترس مبارزان انقلابی جوان ایرانی دور بود که آنها نتوانستند از آن بهره برداری کنند. حزب ما هم نتوانست چنانکه شاید و باید این تجربیات را بطور روشن در اختیار نسل جوان قرار دهد. این یکی از آن مواردی است که ما بیکار خود انتقاد داریم. ولی اکنون پس از گذشت دورانی بیش از ۱۰ سال، تجربه های انقلابی بسیار گرانبهایی در سراسر جهان و در کشور خودمان از نو انباشته شده و برای مبارزان جوان ایرانی قابل دسترسی و بررسی است. باید با برخورد عامی و خالی از پیشداوریهای نادرست از این گنجینه سرشار بسود جنبش نجاتبخش ملی میهن عزیزمان بهره برداری کنیم. ما در این گفتگو با شما دو تا از این تجربه ها را یاد آوری میکنیم.

چند سال پیش برای بسیاری از مبارزان جوان چه در ایران و چه در برخی کشورهای دیگر بخصوص در صفوف جنبشهای جوان نجاتبخش ملی در کشورهای نظیر ما، یکن بصورت کعبه آمال درآمده بود نظرات انحرافی و ضد مارکسیستی گروه مانو بصورت آیات قرآن تلقی میشد. هرگونه موضوعگیری انتقادی نسبت به روش ضد مارکسیستی، ضد شوروی گروه مانو و هرگونه دفاع از حقانیت و درستی سیاست حزب کمونیست اتحاد شوروی در نظر این مبارزان جوان گناه نابخشودنی بود و انتقاد کننده آماج نداشت تریب بدگوئیها قرار میگرفت. ولی همانطور که رفیق فیدل کاسترو در نطق تاریخی خود در هاوانا هنگام دیدار رفیق برژنف بیان داشت هیچ اتهام زنی دخل تر و ماهر تر از دار و دسته هیتر نمیواند باشد. ولی تاریخ از هیتر و اتهام زندگان نظیر او نیرومندتر است. تاریخ اتهامات زبانه نازها را علیه کمونیسم بر باد داد و چهره درخشان انقلاب سوسیالیستی را از لابلای دود و غبار فروغ و اتهام و تزویر بیروز، کشید.

تاریخ باز هم از لابلای پرده های دود و غباری که مانوئیستها علیه واقعیت جنبش کمونیستی جهان و راه لینی کشیده بودند چهره زشت واقعی اتهام زندگان را آشکار کرد و به مبارزان سراسر گیتی نشان داد چه نیروی دوست واقعی آنهاست و چه نیروی نا آگاهی آنها را برای رسیدن به هدفهای خودپرستانه خود به بازی گرفته است. سیاست گروه مانو نه تنها در جنبش جهانی کمونیستی بلکه در جنبش مبارزه ضد امپریالیستی خلقهای «دنیای سوم» نیز هم اکنون منفرد شده و هر روز بیشتر بطرف انزوی کامل میروند. حتی در داخل چین هم هر روز با مشکلات عظیم روبرو میشود.

امروز هیچ جنبش مترقی ضد امپریالیستی در آسیا و آفریقا و امریکای لاتین نیست که از پشتیبانی بیدریغ جنبش عظیم کمونیستی جهانی و خانواده کشور های سوسیالیستی که اتحاد شوروی در مرکز آن جا دارد برخوردار نباشد و به این پشتیبانی و ارزش عظیم آن با شهادت اعتراف نکند: در ویت نام، در قافار، در فلسطین، در آنگولا، در گینه بیسائو، در موزامبیک، در کوبا، در یمن جنوبی، در بنگلادش، در الجزیره و در سراسر جنبش های دیگر خلقهای عرب و در هر میدان دیگری که خلقها در مقابل ارتجاع و امپریالیسم بمبارزه برخیزند، این واقعیت بطور چشمگیری هر روز بیشتر جاوه میکند.

در مقابل این روند تاریخی، سیاست سازش کارانه رهبران چین در هر جریان جهانی چهره خائنه و ضد کمونیستی خود را آشکار تر میسازد: دفاع از نیمی جلا د کمونیستهای سودان، دفاع از رژیم دیکتاتوروی نظامی یبیبی خافت و دشمنی با جنبش خلق بنگلادش، دفاع از شاه ایران در سیاست تجاوز کارانه اش علیه خلق های عرب، دفاع از رژیمهای شیعی، دفاع پیگیر از نگهداری تسلط امپریالیسم امریکا در آسیا و اروپا و امریکای لاتین، کوشش سرخشانه برای جلوگیری از پیشرفت روند کاهش و خامت اوضاع بین المللی از این سیاست را بجائی رسانده که روز نامه اطلاعات سخنگوی عمده استعمار و ارتجاع در ایران در بیش از ۵۰ شماره و در هر شماره بیش از

یک صفحه از آن ستایش میکنند و مانوئیسم را «داری دره خلق های عقب افتاده معرفی میماند. ما میدانیم که این واقعیات منتهیست شما و بسیاری از دوستان شما را به اندیشیدن واداشته است. بدون تردید ما بر آن نیستیم که برای جوانان انقلابی که با دل و جان در میدان نبرد میهن و پر نیچ و خم ملی گام نهاده اند اشتباه را گناه نابخشودنی بدانیم. گناه بزرگ در این خواهد بود که هنگامیکه دلائل کافی برای شناخت درست از نادرست جوی چشم است باز هم در راه برگزیدن راه درست لنگان لنگان گام برداریم و یا در راه نادرست پافشاری کنیم.

تجربه دیگری که برای ما بسیار آموزنده است درمیدان نبرد میهن ما بدست آمده است. از چند سال پیش به این سو بسیاری از مبارزان جوان انقلابی در ایران بر پایه شناخت نادرست و ناراسا از ویژگیهای جامعه کشور ما در مرحله مشخص کنونی از یکسو و بر پایه شبیه سازی امکانات کشور ما با برخی از کشورهای دیگر، راه مبارزات چریکی را نخست در روستا و پس از ناکامی در شهر ها برگزیدند.

آیا اکنون گاه آن فرا نرسیده است که بهره براهی این نبرد تن به تن را بر رسی کنیم و از آن برای آینده پند بگیریم؟ برای آنکه مبارزان جوان در این نبرد تن به تن گام نهاندند انتقاد از آن در چشم آنان گناه بزرگی بود و آنانکه این شیوه را نادرست میدانستند آماج پدگوئیهای ناچوازمردانه میشدند و سازشکار و سرفرود آور نام میگرفتند.

جوانان انقلابی ما در این راهی که در پیش گرفتند چه از دست دادند و چه بدست آوردند؟ تا کنون صد ها کشته و تیر بران شده و هزاران زندانی در سیاه چالهای ساواک - بجای دو رژیم پست مانند فرسیو و طاهری. دهها مدخیم دیگر که در زحمت و آدمکشی با هم مسابقه گذاشته اند آمادگی خود را برای خدمت به رژیم جنایت پیشه نشان داده اند. سازمان جهنمی ساواک بخود اجازه میدهد هر کس را در کوچه و خیابان تیرباران کند و زیر شکنجه نابد سازد و به اعتصاب ساده کارگری را بخون بکشد؛ ولی همه این جنایات جزو روند پیش آمد ها را نمیتواند بگیرد. زندگی روز بروز دشوار تر میشود و همگام با آن ناخوشودی مردم افزایش میابد. تنها راه درست اینست که این جور بیار های جداکننده ناخوشودی را با روشنگری هرچه بهتر و تر و سازماندهی آشکار و نا آشکار هر چه بیشتر به سیل نیرومندی مبدل سازیم.

ما هرگز منکر آن نبوده و امروز هم نیستیم که ممکن است روزی فرا رسد که بر پایه رشد بقایای تناقضات کهنه و تناقضات جدید در روستای ایران چنان وضعی پیدا شود که زحمتکش روستا آماده برای شرکت در یک نبرد مسالحنه علیه رژیم ارتجاعی گردند. در انصورت وظیفه مبارزان راه طبقه کارگر اینست که در این نبرد شرکت کنند و انرا رهبری نمایند. آنچه ما میگوئیم اینست که در لحظه کنونی چنین شرایطی نرسیده و پیشگویی در باره آنکه کی چنین لحظه ای فرا خواهد رسید کاری نادرست است. همین طور ما هرگز منکر آن نبوده و نیستیم که ممکن است اوضاع ایران بطوری تغییر کند که رشد عدم رضایت عمومی زحمتکش شهر آنها را برای عصیان مسلح برای سرنگون رژیم آماده سازد.

در صورت پیدایش چنین شرایطی باید پیشاهنگام جنبش انقلابی در صفوف پیشین این نبرد قرار گیرند. آنچه ما میگوئیم اینست که در لحظه کنونی این شرایط آماده نیست و پیشگویی اینکه چه وقت چنین شرایطی آماده شود نادرست است. ولی در عین اینکه ما منکر دو امکان بالا نیستیم به این واقعیت هم کاملاً عقیده داریم که در شرایط کنونی و بویژه آینده تغییر روز افزون تناسب نیرو ها در صحنه جهانی بسود سوسیالیسم و جنبشهای نجاتبخش ملی و دموکراتیک و به زیان امپریالیسم امکانات گوناگون دیگری هم ممکن است پیدا شود که با استفاده از آن نیرو های دموکراتیک میتوانند رژیم اجتماعی کنونی را برکنار سازند و بجای آن یک دولت دموکراتیک ملی بروی کار آورند. تجربیات مبارزات درخشان نیرو های مترقی میهن ما در سالهای ۱۳۲۱ - ۱۳۲۶ که در جریان آن حکومت دکتتر مصدق بر سر کار آمد و در مبارزه ضد امپریالیستی

پیروزیهای درخشانی بدست آمد، نمونه ای از این امکانات است.

اگر نیرو های مترقی کشور ما تحت تأثیر یک رشته عوامل عینی و ذهنی نتوانستند پیروزیهای بدست آمده را نگهدارند و اگر در برخی کشور های دیگر نیرو های پیروزی یافته دموکراتیک و ملی به چنین سر نوشتی دچار شدند بهیچوجه دلیل بر این نیست که از این راه هیچگونه امکانی برای پیروزی موجود نیست. در تاریخ نمونه های بسیاری هست که قیام های وسیع و مبارزات مسلحانه خلق ها پس از پیروزی نخست، در نبرد های بعدی از طرف نیرو های متحد ارتجاع داخلی و خارجی سرکوب شده اند. آیا باین دلیل میشد ادعا کرد که پس از این شکستها مبارزات مسلحانه دیگر امکان پیروزی نخواهد داشت؟ شکل مبارزه همیشه تابع شرایط مشخص روز است و این شرایط بخصوص در دوران ما تحت تأثیر تحول بسیار تند در اوضاع جهان در حال تحول دائمی است. در لحظه کنونی عمده وظیفه انقلابیون ایران اینست که با روشنگری هر چه وسیعتر و سازماندهی درست، جنبش خلق را بسوی هدف سرنگون ساختن رژیم ارتجاعی موجود تجهیز کنیم و متشکل سازیم. هر راهی که در لحظه معین تاریخی امید پیروزی داشته باشد جازز است.

دوستان گرامی! نظریات خود را در باره مسائل عمده، نظریات ویران و وظایف مردم مبارزان انقلابی ایران بصورت طرح جدید برنامه حزب توده ایران و در سند تکلیفی چند در مورد وظائف مردم مبارزان انقلابی تنظیم کرده و برای اظهار نظر تمام مبارزان پیش کرده ایم. اگر تاکنون بدست شما نرسیده است خواهش میکنیم که از راههای که دارید بما کمک کنید که هر چه زود تر این اسناد و اسناد دیگر را به شما برسانیم. ما در انتظار نظریات شما و گروههای دیگر مبارزان ایرانی هستیم و مسلم بدانید که با وقت و علاقه این نظریات را مورد بررسی و بهره برداری قرار خواهیم داد. ما به استوار کردن پیوند ما با شما و گروههای انقلابی دیگر بیش از اندازه علاقمندیم و اطمینان داریم که در اولین ارتباط مستقیم شما را قانع خواهیم ساخت که از جانب ما همه گونه امکانات مورد توجه و تدارک قرار گرفته است تا از این ارتباط به سازمان ما و گروه شما کوچکترین گزندی نرسد. امیدواریم این پیام بخوبی به شما برسد. دست شما را میفشاریم

دست شما را میفشاریم

دنباله از صفحه ۱

با سیاست اختناق آور رژیم مبارزه کنیم!

زندانیان در قبال این درنده خوئی مأمور ساواک و شهربانی موجب شد که بار دیگر بر سر اعتصاب کنندگان بریزند و زندانیان بیمار و مدهوش را بزور وا دار به خوردن غذا کنند. در این جریان ههان رفیق عباس جبری افسر عضو حزب توده ایران را که ۲۰ سال است زندانی است وحشیانه از هم دربند.

اکنون مدتی است که رفیق صابره محمدزاده کارگرضو حزب توده ایران دوره شش ساله زندانش را با مقاومت شایان تحسین بپایان رسانده است. جلادان سازمان امنیت نه تنها از آزاد ساختن او امتناع میکنند، بلکه حتی ملاقات او را با مادر سالخورده اش مانع میشوند. رفیق پرویز حکمت جو افسر عضو حزب توده ایران اکنون مدتی است که در اثر شرایط نا مساعد زندان بیمار و بستری است. مأموران زندان با وجود مراجعه مکرر وی از معالجه او خود داری میکنند. رفیق حکمت جو ناگزیر اعتصاب غذا اعلام میکنند. ولی جلادان هنگامی بسرغ او میروند که پس از ۶ روز اعتصاب غذا درحال اغماء درآستانه مرگ قرار داشته است.

شک نیست که مبارزه دربرابر این جلدی و درنده خوئی رژیم نه تنها عرصه مبارزه را خالی نخواهند کرد بلکه آنرا گسترش خواهند داد. ابراز همبستگی مؤثر با زندانیان سیاسی، با همه قربانیان رژیم و بسط مبارزه علیه استبداد رژیم و اقدامات ضد ملی آن، هر چه همگام تر و متحد تر انجام شود، امید پیروزی بیشتر خواهد بود. کارگران و دهقانان و دانشجویان و روشنفکران انقلابی در این میان بیش از پیش وظیفه ساز ماندنی و پیوستگی این مبارزات را بر عهده دارند. باید به این اسناد قرون وسطائی پایان داده شود. مینو